

عطف کتاب

تازه‌های نشر افق

■ نشر افق مجموعه‌ای را تحت عنوان «فرهنگ و تمدن ایرانی» برای گروه سنی نوجوانان منتشر کرده که کتاب‌های این مجموعه می‌کوشند با زبانی ساده و قصه‌گو نوجوانان را با سرگذشت فرهنگ، علم و هنر در ایران آشنا کنند. ویژگی مشترک این کتاب‌ها، علاوه بر زبانی ساده، بررسی سیر تکامل موضوع هر کتاب از آغاز پیدایش آن تا به امروز است. برخی از کتاب‌های این مجموعه که به تازگی منتشر شده‌اند معرفی می‌شوند:

سرگذشت شعر در ایران

این کتاب که نوشته‌علی اصغر سیدابادی است در ۱۵ فصل با نام‌های اولین شعر، افسانه اولین شعر، از شعر عربی تا شعر فارسی، سامانین پدر شعر فارسی، نامه باستان، شعر درباری، تولد شعر از دربار، داستان سربان، شعر در اوج، بازگشت شعر به خراسان، شعر مردمی، بازگشت به گذشته، شعر در آستانه تغییر، تولد شعر نو، تولد شعر سپید و شعر در خیابان تألیف شده است. کتاب در فصل اول می‌پرسد «مخترع شعر کیست؟» و سپس اشاره می‌کند که نمی‌توان پاسخ دقیقی به این پرسش داد. سپس در جست‌وجوی اولین شعرهای فارسی، به نام «رژش» می‌رسد که تاریخ‌نویسان از او به عنوان اولین شاعر یاد می‌کنند. در ادامه به صورت اجمالی به بررسی سیر شعر فارسی تا به امروز می‌پردازد.

سرگذشت سینما در ایران

اگرچه از ورود سینما به ایران سال‌های زیادی نمی‌گذرد اما این رسانه امروز تبدیل به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه‌های فرهنگی شده است. اختراع سینما و سپس ورود آن به ایران موضوعی است که این کتاب با آن آغاز شده است. گیسو فغفوری این کتاب در ۱۲ فصل نوشته و در آن پس از فصل اختراع سینما، به موضوعات دیگری چون اولین دوربین فیلمبرداری در تهران، اولین سینماهای تهران، اولین فیلم‌های ایرانی، رونق فیلمفارسی، تولد سینمای متفاوت، سینمای پرنز-زن و سینمای سیاسی، درخشش نسل جنگ و... پرداخته است. در حاشیه صفحات هر فصل کتاب نیز بیوگرافی کوتاهی از چهره‌های تأثیرگذار سینمای ایران آورده شده است.

سرگذشت نقاشی در ایران

پرویز براتی در این کتاب برای بررسی تاریخ نقاشی در ایران به سراغ نقشی‌هایی که مردمان نخستین در غارها کشیده‌اند، رفته است. او اشاره می‌کند که منتقدان و تاریخ‌نگاران هنر، این آثار را از قدیمی‌ترین آثار نقاشی در ایران به حساب آورده‌اند. نقاشی‌هایی که بیشتر به شیوه‌ای ساده و ابتدایی و با رنگ‌های قرمز، خرابی، سیاه یا زرد دیو رپار غارها کشیده شده‌اند. در این نقاشی‌ها حیوانات از پهلونقاشی شده‌اند ولی انسان‌ها از رویه‌رو دیده می‌شوند. کتاب پس از پرداختن به دوران‌های مختلف نقاشی ایرانی، در پایان به این نکته اشاره داشته که در سال‌های اخیر، نقاشان ایرانی موقعیت درخشانی در هنر دنیا پیدا کرده‌اند و آینده درخشانی برای نقاشان ایرانی متصور شده است.

سرگذشت نمایش در ایران

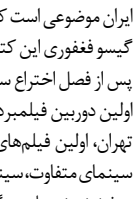
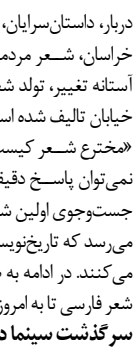
نشانه‌هایی از وجود هنر نمایش را در تصاویر و آیین‌های برجای مانده از روزگاران کهن می‌توان یافت. رضا اشفته در این کتاب با اشاره به این نکته، برای یافتن ریشه‌های نمایش در ایران، به دوران باستان رجوع کرده است. یکی از این نشانه‌ها مراسم سوگواری برای سبایش است. یکی دیگر از نشانه‌های وجود هنر نمایش در ایران، مربوط به حماسه غم‌انگیزی است که از دوران ساسانیان باقی مانده و داستان آن مربوط به عهد پارتیان می‌شود. کتاب پس از بررسی این ریشه‌ها، به موضوعات دیگری چون اسلام و نمایش، مشروطه و مردمی شدن نمایش، کودتای ۳۲ و ملی شدن نمایش، انقلاب و استقلال از نمایش و پایان جنگ و توجه به نمایش پرداخته است. کتاب در هر یک از این دوران‌های تاریخ سلاز، به چهره‌ها و آثار تأثیرگذار در نمایش ایران نیز توجه کرده است.

سرگذشت نمایش در ایران

نشانه‌هایی از وجود هنر نمایش را در تصاویر و آیین‌های برجای مانده از روزگاران کهن می‌توان یافت. رضا اشفته در این کتاب با اشاره به این نکته، برای یافتن ریشه‌های نمایش در ایران، به دوران باستان رجوع کرده است. یکی از این نشانه‌ها مراسم سوگواری برای سبایش است. یکی دیگر از نشانه‌های وجود هنر نمایش در ایران، مربوط به حماسه غم‌انگیزی است که از دوران ساسانیان باقی مانده و داستان آن مربوط به عهد پارتیان می‌شود. کتاب پس از بررسی این ریشه‌ها، به موضوعات دیگری چون اسلام و نمایش، مشروطه و مردمی شدن نمایش، کودتای ۳۲ و ملی شدن نمایش، انقلاب و استقلال از نمایش و پایان جنگ و توجه به نمایش پرداخته است. کتاب در هر یک از این دوران‌های تاریخ سلاز، به چهره‌ها و آثار تأثیرگذار در نمایش ایران نیز توجه کرده است.

سرگذشت موسیقی در ایران

این کتاب تاریخ موسیقی ایران را به سه مرحله دوران باستان، دوران اسلامی و دوره معاصر تقسیم کرده و البته در ذیل این سه دوره کلی تقسیم‌بندی‌های فرعی دیگری نیز قابل شده است. عزت‌الله الوندی مولف این کتاب است و تاریخ موسیقی ایرانی و روند تکامل آن تا دوران معاصر را در ۱۹ فصل بررسی کرده است. علاوه بر پرداختن به موسیقی ملی، فصلی از کتاب نیز به موسیقی نواحی ایران اختصاص داده شده است. البته نویسنده در این فصل موسیقی کردستان، و شهر و کرمانشاهان را بررسی نکرده اما تأکید کرده است که بخش جدایی‌ناپذیری از موسیقی ایران، نغمه‌های اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران است.



علیرضا امیر حاجبی

جوامع در حال توسعه یا بهتر بگوییم در حال گذار با چالش‌هایی مواجه هستند که در حوزه به شکلی تمام‌قد باید به مبارزه و اقدام در برابر آنها بپردازند. این چالش‌ها در حوزه فرهنگ خود را به شکلی متفاوت و نامحسوس به جامعه تحمیل می‌کند و به همین دلیل است که برخی از مسوولان و خانواده‌ها نمی‌توانند نکته‌ها و پیچ‌های خطرناکی را که با آنها مواجه می‌شوند به درستی شناسایی کنند. آموزش یکی از مهم‌ترین این درنگ‌گاه‌هاست. درنگ‌گاه جایی است که باید ایستاد و به جلو، عقب، چپ و راست خود نگریست و سپس با درک موقعیت به ادامه حرکت پرداخت. در تاریخ معاصر آموزش آکادمیک در ایران ما به چندین درنگ‌گاه رسیدیم و بدون ایست و توجه از آن عبور کردیم و به همین دلیل مجبور شدیم بازگشتی به عقب داشته باشیم. ناگفته پیداست که حوزه آموزش به دلیل حساسیت‌های فراوان آن، جایی برای آزمون و خطا باقی نمی‌گذارد. متون، در نهادهای آموزشی اهمیت زیادی دارند و همین اهمیت باعث می‌شود تا با تکیه بر نوعی جزم تکنیکی بر روش‌هایی کهنه و کم‌بازده بافشاری کنیم و بعد، از خود بیرسیم چرا درست نریماد؟ واقعا چرا سیستم آموزشی در شاکله کلی خود به‌خصوص در زمینه کتاب تا به این حد ضعیف است. دیروز به شکلی تصادفی با کتاب جدیدی از کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برخورد کردم که نمونه بارزی از عدم آگاهی پدیدآورندگان، گرافیکست و تصویرگر آن بود که امیدوارم بتوانم در آینده به معرفی آن بپردازم. این در حالی است که کلون پرورش فکری کودکان از قدیمی‌ترین نهادهای مرتبط با آموزش در ایران است. نکته اینجاست که ما در حال حاضر با بحران خولدن مواجه شده‌ایم که یکی از دلایل اصلی آن، کیفیت ظاهری و محتوایی کتاب‌های آموزشی است. کنترل این کیفیت تا زمانی که مواردی خاص را دربر نگیرد مورد اعتراض مسوولان نظارتی قرار نمی‌گیرد. هیچ ناشر دولتی یا خصوصی برای اشتباهات فاحش در کتابی آموزشی لغو مجوز نمی‌شود. بسیاری از همین دست ناشران نیز با استفاده از چنین موقعیتی به تولید انبوه کتاب‌های آموزشی پرداخته و مخاطب سرگردان هم که از مشورت‌های یک مدرس خوب نیز شاید کم بی‌بهره باشد با خرید کتاب مربوطه، بازار فروش آنان را رونق می‌بخشد. در اینجا به هیچ وجه قصد معرفی مصادیق یا همان کتاب‌ها را ندارم. وظیفه ما شاید این است که شمایی کلی از این وضعیت را برای مخاطبان‌مان ترسیم کنیم.

در این بین کتب آموزش هنر و به‌خصوص موسیقی وضعیت خوبی ندارند. تعداد آثار آموزش هنر موسیقی در سطح بازار کتاب در ایران نسبت به سایر حوزه‌ها رشدی بی‌سابقه داشته است. علت این رشد تنها عطش بی‌حد و حساب مخاطبان کودک، نوجوان و جوان نیست بلکه دو عامل دیگر به رونق این بازار کمک می‌کنند: اول سهولت صدور مجوز انتشار این گونه کتاب‌ها از سوی سیستم نظارتی،

در این بین کتب آموزش هنر و به‌خصوص موسیقی وضعیت خوبی ندارند. تعداد آثار آموزش هنر موسیقی در سطح بازار کتاب در ایران نسبت به سایر حوزه‌ها رشدی بی‌سابقه داشته است. علت این رشد تنها عطش بی‌حد و حساب مخاطبان کودک، نوجوان و جوان نیست بلکه دو عامل دیگر به رونق این بازار کمک می‌کنند: اول سهولت صدور مجوز انتشار این گونه کتاب‌ها از سوی سیستم نظارتی،

«جغرافیای محاصره ساده است. سارایوو، نوری دراز از زمین مسطح است که از همه طرف در محاصره تپه‌ها قرار دارد. مردان روی تپه‌ها تمام نقاط مرتفع و شبه‌جزیره‌ای از زمین مسطح را در وسط شهر به‌نام «گروپوچا» در اختیار دارند. آنها به بقیه شهر، فشنگ، خمپاره و گلوله شاک و نارنجک می‌زنند؛ شهری که با یک تانک و سلاح‌های کوچک دستی از آن دفاع می‌شود. سارایوو رو به ویرانی است.» (ویلون‌سل‌نواز سارایوو/ ص ۱۴) این چند سطر که در همان صفحات آغازین رمان ویلون‌سل‌نواز سارایوو، نوشته استیون گالووی- نویسنده کانادایی- آمده، در واقع شمایی کلی و فشرده از زمینه رمان و فضای حاکم بر آن به دست می‌دهد. ویلون‌سل‌نواز سارایوو همان‌طور که در این چند سطر آمده، ترسیم «جغرافیای محاصره» و روایت چند روز از زندگی چند نفر از شهروندان محاصره شده است. چند نفری که روزهای محاصره از دید آنها روایت می‌شود: «کنان» که برای آوردن آب برای خانواده و پیرزن صاحبخانه، از خانه بیرون زده؛ «راگان» که خانواده‌اش را به خارج فرستاده و خودش در شهر محاصره شده مانده و منتظر فرصتی مناسب تا بتواند در امان از تیرهای تک‌تیراندازهایی که همچون خدایان المپ از بالای تپه‌ها به شهروندان تیراندازی می‌کنند، از خیابان بگذرد؛ تیر، تک‌تیراندازی که هدف‌هایش را خود از بین تک‌تیراندازهای بالای تپه انتخاب می‌کند و نمی‌خواهد تحت کنترل ارتش در بیاید و کور کورانه از فرمان یک نهاد نظامی که جنگ را به تقابل دوتایی «ما» و «آنها» تقلیل دهد. و ساده‌سازی کرده، تبعیت کند و کل این سه شخصیت که جز در وضعیت محاصره قرار داشتن، هیچ ربط دیگری به هم ندارند. حول محور ویلون‌سل‌نوازی که عزم کرده به یاد ۲۲ نفری که در صف نان بر اثر اصابت خمپاره کشته شده‌اند، ۲۲ روز در خیابان ویلون‌سل بنواز و این نکته از رمان همان‌طور که در پیگفتار نویسنده آمده برگرفته از واقعیت است. گالووی در پیگفتار کتاب درباره این حادثه واقعی می‌نویسد: «ساعت چهار بعد از ظهر روز ۲۷ ماه می سال ۱۹۹۲، در گرماگرم محاصره سارایوو، چند خمپاره به گروهی از مردم که پشت بازار واسه میسکینا، در صف خرید نان ایستاده بودند، اصابت کرد. ۲۲ نفر کشته و صد تنم ۷۰ نفر زخمی شدند. طی ۲۲ روز بعد و در آن اسماعیلوویچ، ویلون‌سل‌نواز معروف محلی،

کتاب

نگاهی به وضعیت کتاب‌های آموزشی موسیقی

یار مهربان یا دشمن حيله‌گر



علیرضا امیر حاجبی

دوم سهولت ترجمه آثار خارجی به‌خصوص آن دسته از کتاب‌هایی که از تصویر زبانداری نسبت به متن برخوردار هستند. در چنین وضعیتی ناشر با هزینه کمتر می‌تواند فعالیت کند. کتاب‌های آموزشی موسیقی در حوزه ترجمه با تألیف یک فاجعه کامل را در سطح و عمق رقم زده است. انبوه کتاب‌های آموزشی برای گیتار کلاسیک، فلامنکو، پاپ و راک هر مخاطبی را دچار شگفتی می‌کند. بخشی از این

کتاب‌ها نیز بدون مجوز وزارت ارشد راهی بازار نشر می‌شود که البته با نظارت یا بدون نظارت تفاوت چندانی ندارد. مساله، کیفیت این آثار است که در بسیاری از مواقع باعث کج‌فهمی‌ها و سوءبرداشت‌های بزرگی برای خواننده می‌شود و این تأثیر سوء تنها به مخاطب ختم نمی‌شود بلکه از شکل هندسی، اصلاع دیگری نیز دارد. از جمله، مدرسان و آموزشگاه‌های ریز و درشتی که مانند قارچ برای مدتی سر از زمین هنر ایران درمی‌آورند و با چراغ خاموش یا نیمه‌روشن به فعالیت خود ادامه می‌دهند. رشد این آموزشگاه‌ها و نیز کلاس‌های خصوصی موسیقی ارتباط مستقیمی با نشر کتب آموزش موسیقی دارد.

برخی از مدرسان با معرفی یک کتاب ساده سعی دارند تا با حداقل زمان ممکن چیزی به هنرجوی بینوا آموزش دهند. پس بهترین راه، کتاب‌های حاضر و آماده‌ای است که به راحتی در بازار یافت می‌شود. کتاب‌هایی با اسم‌هایی

ناآشنا، مترجمان و مولفانی تازه از زار رسیده که برای کسب تجربه‌اندوژی و پرپار کردن سوابق داشته و ناشسته حرف‌های خود دست به ترجمه کتابی سفارشی زده‌اند: سه گام تا پیانست شدن، ۱۰ گام تا باگانی نی، گیتار کلاسیک به زبان ساده، زندگی فلائی، رنج‌های یک فلوت‌نواز دوره‌گرد، چگونه راک بنوازیم، ۵۰۰ آهنگ محلی لری، کردی و ترکی برای گیتار کلاسیک، هزار ترانه عاشقانه ایرانی برای سازدهنی و

صدها و صدها کتاب بی‌ارزش و بی‌هویت که نه مولف آن مشخص است و نه مترجم آن. بله حوزه موسیقی فضای خوبی است برای آزمون و خطا. تاریکی مطلق بیابان موسیقی ایران راه را برای هرگونه سوءاستفاده باز می‌گذارد. حرف‌های مرا نادیده بگیرم! خود، سسری به کتاب‌فروشی‌های تهران بزنید. وقتی به کتابی نگاه می‌کنم که اصل آن به زبان انگلیسی را خوانده‌ام عرق سرد به تنم می‌نشیند. ناشر و یک مولف جاعل و سراق که خود را مدرس موسیقی معرفی می‌کند با کبی و تغییراتی جزیی کتاب اورژینال، کتابی فاقد ارزش را چاپ و به بازار ارائه کرده‌اند غافل از اینکه استادان باتجربه با یک نگاه متوجه این سرقت فاحش فرهنگی می‌شوند. (معترضان به این متن اگر انتقادی دارند بگویند تا ما هم مدارک خود را در قالب یک گزارش تصویری رنگی تمام صفحه ارائه دهیم)

دیده‌ام که برخی ناشران معتبر در اقدامی خودخواسته و

درباره «ویلون سل نواز سارایوو»، نوشته استیون گالووی

ژست‌هایی برای مقاومت

البینونی، چندان شباهتی به بیشتر کارهای او ندارد و به نظر بیشتر پژوهشگران، جملی است اما حتی کسانی که به اصالت آن شک دارند به سختی از عهده انکار زیبایی‌اش بر می‌آیند. انتخاب همین سونات توسط ویلون‌سل‌نواز سارایوو، در بردارنده ایده «ساختن» و «تاسیس» در برابر ایده بازنمایی گزارش گونه از واقعیت است و به واقع تن دادن به واقعیت به همان صورتی است که نظم نمادین تحمیل و نهادینه کرده است. شخصیت‌های رمان ویلون‌سل‌نواز سارایوو نمی‌خواهند به این واقعیت که از سوی محاصره‌کنندگان با حتی آنها که تنها با انگیزه کینه‌توزی، نفرت و کسب قدرت با آنها می‌جنگند تحمیل می‌شوند تن دهند. مرکز خیابان به دلیل به تیررس مردان بالای تپه بودن، از مردم گرفته شده و آنها مجبورند از حاشیه‌ها حرکت کنند. مقاومت چند شخصیت رمان، در برابر مردان بالای تپه درست در محل تلاقی حواشی خیابان و شهروندان، ترسیم شده است. آنچه در رمان گالووی مهم است، گره خوردن این مقاومت با ژست‌های شهروندان است. نحوه راه رفتن، نحوه عبورشان از خیابان، نحوه نشستن ویلون‌سل‌نواز بر صندلی و ناوختن، نحوه کشتن، نحوه حمل



آب توسط کنان، نحوه منتظر ایستادن و گام زدن در راگان، همه اینها در رمان به نحوی ترسیم شده که اعمال روزمره را به ژست‌هایی ارتقا داده است که مفهوم مقاومت در برابر وضع موجود و مفهوم انتخاب را در خود حمل می‌کنند و همه این ژست‌ها در کنار هم سارایوو شهروندان را در برابر سارایووی که مردان روی تپه و فرصت‌طلبان داخل شهر، در پی تحمیل آنها، ایجاد می‌کنند. این گونه‌است که سارایووی اکنون موجود امکان پذیر می‌شود و به مثابه حرفه‌ای در دل سارایوو موجود پدیدار می‌شود. مثل تصمیم در راگان به کنار خیابان آوردن مرده‌ای که وسط خیابان افتاده برغم خطری که در این کار نهفته است و مهم‌تر از همه اینکه این تصمیم نه توسط مردی با خصوصیات قهرمانان کلیشه‌ای یک رمان حماسی که از بخش اول رمان ویلون‌سل‌نواز سارایوو درباره ارتباط این اثر به آلبینونی آمده است: «اثر پدید آمده، معروف و آداجیو

نگاه

نگاهی به رمان «سلام مترسک» منیرالدین بیرونی

خاطرات مترسک

محمد باقرزاده



■ «به اعتقاد من نویسنده اولیس کارش این است که یک هویت دیگر به واژه‌ها بدهد. اگر بخواهد تمام آن واژه‌هایی را که قبل از خودش بوده استفاده کند قطعا یک جای کارش با نیت مواجه می‌شود. چون واژگان وقتی مستعمل می‌شوند دیگر کاربردشان را از دست می‌دهند.» با نگاهی اجمالی به رمان «سلام مترسک» به راحتی می‌توان دریافت که با کتابی متفاوت از فضای حاکم بر ادبیات داستانی این دهه ایران، رویه‌رو هستیم؛ فضایی که بسیاری آن را با نام «ادبیات شهری» یا «ادبیات آپارتمانی» می‌شناسند. رمانی در ۳۴۲ صفحه و زبانی سنگین. این کتاب، دومین رمان منتشرشده از منیرالدین بیرونی است؛ نویسنده‌ای که پیش از این و در سال ۱۳۸۳ مجموعه داستان «کت خشت» و در سال ۱۳۸۵ اولین رمان خود با نام «چهار درد» را منتشر و جایزه بنیاد گلشیری را برای این دو اثر دریافت کرد.

«سلام مترسک» قصه فردی به نام «صارم» است که در دوره شش ماهه زندان خود، گذشته‌اش را می‌نویسد و آن را برای انتشار و ثبت در تاریخ به دوستش مسعود می‌سپارد. وی معتقد است که مورخان، پیش از این، تنها قصه نوشتند اما او در این نوشته‌ها مستندی از زندگی خود را ارائه داده است. در پشت جلد این رمان می‌خوانیم: «رمان سلام مترسک داستان مردی است که با بیماری سرطان دست و پنجره نرم می‌کند. او که شش ماه را در زندان گذرانده بعد از آزاد شدن همواره بی‌کل بوده است و تنها دو سه شاگرد خصوصی داشته است که به آنها زبان و ادبیات می‌آموخت. مهسا، زن او، بعد از زدنش شدنش تنها یکبار او را دیده بود و بعد از آن حتی پس از آزاد شدنش هرگز نتواسته بود او را ببیند یا او را زندگی کند. صارم هیچ تقاضا یا دادخواستی برای طلاق نداشته بود؛ مهسا هم مطور. تمام عشق و علاقه صارم همین یادداشت‌های اوست چراکه تمام شب و روز زندانش را با همین کلمات سر کرده است. دوره زندان صارم هیچ ربطی به خط اصلی قصه‌ای که خواسته بنویسد ندارد، بنابراین قصه او به سیاق دیگری به راهش ادامه می‌دهد. قصه‌ای بدون مهسا و بدون زندان.»

«سلام مترسک» رمانی اجتماعی است که دغدغه‌های چالش‌های نسل جدید ایران را بیان می‌کند؛ روایت صارم، شاعر و روشنفکر مسلک که به همه چیز و همه کس می‌خندد و معترض است، به زمین و زمان فحش می‌دهد، رفتارهای ناپسند روزمره و زندگی عادی افراد، او را آزار می‌دهد، با این حال در زندگی خود او هم چندان عملی پسندیده و مطابق با معیارهای ندیده نمی‌شود. مسعود، دوست صمیمی صارم، در پایان هر قسمت از نوشته‌های صارم، یادداشتی را در توضیح یا به زعم خود تصحیح خاطرات صارم می‌نویسد.

نویسنده در این رمان از شیوه «روایت موازی» استفاده کرده است. علاوه بر صارم که به

صورت «ول مترسکص» به روایت رمان می‌پردازد (البته در انتهای هر فصل روایت صارم، به «مسوم شخص» تغییر می‌یابد) مسعود (دوستی که از دوران کودکی با صارم بوده و صارم یادداشت‌ها و خاطراتش را برای چاپ به او سپرده است) نیز در پایان هر بخش و به صورت پاروقی به روایت رمان می‌پردازد. نوشته‌های مسعود در توضیح یا تصحیح خاطرات صارم آمده‌اند به گونه‌ای که خواننده نمی‌تواند دریابد کدام روایت واقعی است. این شیوه روایت بر کشش داستان افزوده است؛ شیوه‌ای که به نظر می‌آید نویسنده به کار گرفته تا شک به تاریخ و مورخان را نشان دهد. شخصیت‌پردازی در این کتاب بسیار ملموس است؛ شخصیت‌های سرشار از غم، شادی، کینه، حسد و انسان‌دوستی، که البته این قوت شخصیت‌پردازی در صارم نمایان تر است.

لحن و زبان «سلام مترسک» به‌ویژه در روایت صارم، لحنی خاص با واژگانی متفاوت و استفاده از تمثیل و ارجاعات مختلف است؛ زبانی که در تمام آثار منیرالدین بیرونی دیده می‌شود. واژگان و عباراتی همچون «هفتاس پرتلن، هنر هننه، هنن می‌های» که چند ساختار استفاده از لحنی خاص، بر قوت این اثر افزوده است اما در پاره‌ای از موارد، چنین زبان کلاسیک و ثقیلی از باورپذیری و واقعیت‌بخشی به شخصیت‌های داستان می‌کاهد. علاوه بر لحن و زبان، نامگذاری این کتاب و فصل‌هایش کمی پیچیده و نیازمند تامل است. نام‌هایی همچون «هشتی پاپیز» و «همنانی وصل» که پیدا کردن دلیل انتخاب و ارتباط آنها با بخش موردنظر نیازمند تامل و تفکر در متن و حتی لایه‌های زیرین اثر است.

«بلند بلند می‌هایی کشیدم و شماره را دوباره گرفتم، قهائل ریخته به حلقوم عرق از پشت گوش‌هام می‌چکید. روی اولین زنگ که خورد قطع کردم.» هن‌هنه ترس شده بود نفسم، گفتم ای کجاست از زنگ.

در میان نویسنده‌گان گذشته آثار ادبیات داستانی، به سختی می‌توان نویسنده‌ای یافت که دارای لحن و سبک مختص به خود باشند، به گونه‌ای که حتی بسیاری از رمان‌ها علاوه بر مشترک بودن محتوا و درنمایه، دارای لحن و زبانی شبیه و نزدیک به هم‌اند، اما در «سلام مترسک» و دیگر کارهای منیرالدین بیرونی می‌توان به راحتی، رگه‌هایی از زبان و لحن ویژه و نو را دید؛ لحنی که از واژگان کهنه بهره می‌گیرد تا به خلق معنای جدید بپردازد و همچنین سرشار از عبارات و واژگان نو است.

پی‌نوشت:

۱- مصاحبه روزنامه «تهران امروز» با منیرالدین بیرونی ۱۰ آذر ۱۳۸۶.